

حکم استظلال مُحرم زیر سایه متحرک، بعد از منزل

رضا عندلیبی*

چکیده

یکی از محرمات احرام برای مردان که کفاره نیز دارد، استظلال (زیر سایه رفتن) است که هر چند تفصیل آن در کتب فقهی آمده است، اما برخی از مباحث و فروع آن قابلیت بررسی مستقل و دوباره را دارد. حرمت استظلال در حال طی مسیر و جواز استظلال به سایه ثابت در مسیر و منزل مورد تسالم است؛ ولی حکم استظلال زیر سایه متحرک بعد از منزل یکی از مباحث اختلافی است که در این مقاله اقوال و ادله فقها درباره آن مورد واکاوی قرار گرفته و از میان سه نظریه جواز استظلال، عدم جواز و تفصیل بین حالت پیاده و سواره، ادله نظریه اول بی اشکال شناخته شده است. شناخت معنای استظلال نیز در حکم مؤثر است که در پایان مقاله مورد کنکاش قرار گرفته و مشخص شده که استظلال جانبی جزو استظلال حرام نیست؛ اما بیرون آوردن سر از محمل، مانع از صدق استظلال نمی شود و نبود سقف بر بالای سر در هر صورت لازم است؛ همان طور که استظلال تنها در طول روز یا در شب های بارانی و سرد صادق است و در شب های معمولی مانعی از استظلال نیست.

کلیدواژه‌ها: محرمات احرام، استظلال، مکه، منزل، ماشین مسقف

از محرمات احرام برای مردان، که کفاره نیز دارد، استظلال (زیر سایه رفتن) است. در جواز مطلق استظلال برای زنان و کودکان، (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۲۱؛ خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۲۶) جواز زیر سایه رفتن مردان در حال اضطرار، همراه با وجوب کفاره (ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۱۶۳؛ خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۸، ص ۵۰۰) و جواز سایه انداختن با دست روی صورت (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۲۱؛ شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۲۵۵) تردیدی نیست؛ همچنان که اصل حرمت و ممنوعیت استظلال زیر سایه متحرک (سایه کجاوه، محمل، ماشین مسقف، چتر و...) در حال طی مسیر نیز مورد اجماع فقهاست (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۷۸). البته از ابن جنید استحباب عدم استظلال و کراهت زیر سایه رفتن برای مردان نقل شده (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۸۳) و همچنین توقف در مسئله از بعضی از متأخرین (سبزواری، ۱۲۴۷ق، ج ۲، ص ۵۹۸؛ همو، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۰۴) دیده می شود که مخالف اجماع و صریح روایات است و روایاتی که برای اثبات این نظریه استدلال شده (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۷، ح ۵ و ص ۵۱۸، ح ۱۰ و ج ۱۳، ص ۹۷، ح ۶) بر حال ضرورت (طوسی، ۱۴۰۷ق، الف، ج ۵، ص ۳۱۲) یا تقیه حمل می گردد (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۵، ص ۴۷۸)؛ چرا که برخی از فقهای اهل سنت، با استناد به قیاس حال حرکت به حال توقف و برخی روایات (مسلم، بی تا، ج ۲، ص ۹۴۴؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۴۰۲؛ ابو داود، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۱۶۷)، مطلق استظلال در طی مسیر را جایز می دانند (شافعی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۱۹؛ نووی، بی تا، ج ۷، ص ۲۵۲ و ۲۶۷؛ ابن قدامه، بی تا، ج ۳، ص ۲۸۶).

افزون بر این موارد، با توجه به روایات (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، صص ۵۲۳ - ۵۲۰) و سیره مشرعه، قطعاً قرار گرفتن یا حرکت زیر سایه ثابت در زمان طی مسیر یا پس از منزل، جایز است. مسئله اصلی، مبتلابه و اختلافی، حکم استظلال زیر سایه متحرک بعد از منزل (مکه، منا، عرفات یا توقفگاه در طول مسیر) است؛ یعنی بعد از اینکه مُحرم وارد مکه شد، آیا می تواند با ماشین مسقف به مسجد الحرام برود؟ آیا می تواند از تنعیم - که داخل شهر مکه است - محرم شود و با ماشین مسقف یا به صورت پیاده همراه با سایه متحرکی (مثل چتر) طی مسیر کند و آیا در این مسئله میان روز و شب تفاوتی هست؟

آیا وضعیت جوی (ابری، بارانی یا صاف بودن هوا) تأثیری در حکم دارد؟ برای پاسخ به این سؤالات باید اقوال و ادله فقها در این زمینه بررسی شود. اما پیش از بررسی اقوال و ادله، لازم است تذکر داده شود که مقصود از منزل، مکانی است که قرار است شخص در آنجا سکنا گزیند. بنابراین، اینکه برخی کشتی یا قطار را نیز به دلیل استراحت در این دو وسیله، منزل دانسته‌اند (حکیم، ۱۴۱۶ق، ص ۱۷۰)، صحیح به نظر نمی‌رسد. مقصود از ظل و استظلال نیز در پایان مقاله توضیح داده خواهد شد.

اقوال فقها

بیشتر قدما تنها به اصل حرمت استظلال در حال طی مسیر و جواز استظلال در حال توقف و بعد از منزل اشاره کرده و در مورد حکم استظلال زیر سایه متحرک سخنی نگفته‌اند. اما پس از بررسی اقوال فقهای که این فرع را مطرح کرده‌اند، مشخص می‌شود در مورد حکم استظلال با سایه متحرک بعد از منزل، سه نظریه وجود دارد:

نظریه اول: جواز مطلق استظلال زیر سایه متحرک

بعد از منزل، هر نوع استظلالی؛ چه در حال حرکت و چه در حال توقف، چه سواره و چه پیاده، چه با سایه ثابت و چه با سایه متحرک، جایز است.

ابن ادریس در این باره می‌نویسد: «وإنما منع المحرم من الظلال، إذا كان سائراً، فأما إذا نزل، فلا بأس أن يستظل، بما أراد» (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۴۷) که با توجه به اطلاق فرمایش ایشان (بما أراد) می‌توان این نظریه را به وی نسبت داد.

آیات عظام وحید (وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۰۵) و مکارم (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۶۵ - ۱۶۲) نیز به این نظریه معتقدند و صاحب جواهر در *نجات العباد*، (صاحب جواهر، ۱۳۱۸ق، ص ۱۲۰)، آیات عظام امام خمینی (خمینی، بی‌تا، ج ۱، صص ۴۲۷ - ۴۲۶)، خوئی (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۸، ص ۵۰۰)، سبزواری (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۲۰۱)،

گلپایگانی (گلپایگانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۴۲؛ افتخاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۹۴)، فاضل (فاضل لنکرانی، بی تا، ص ۹۷)، صافی (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۲۹۶) و نوری همدانی (افتخاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۹۵) که به احتیاط مستحب، استفاده از سایه متحرک را جایز ندانسته‌اند نیز از طرفداران این نظریه به شمار می‌روند. مطابق این نظریه، محرم پس از رسیدن به منزل (مکه، عرفات و...) می‌تواند زیر هر سایه‌ای توقف یا حرکت نماید.

نظریه دوم: عدم جواز مطلق استتلال زیر سایه متحرک

بعد از منزل، مُحرم تنها حق دارد زیر سایه ثابت حرکت کند و حق ندارد؛ زیر سایه متحرک (ماشین مسقف، چتر و...) برود. صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۴۰۶)، محقق شاهرودی (شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۲۵۷)، محقق داماد (داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۵۴۹ - ۵۴۶)، محمد تقی آملی (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۲، ص ۵۹۱)، آیات عظام شبیری (شبیری، ۱۴۲۱ق، ص ۸۷) و سبحانی (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۸ق، ص ۶۵؛ همو، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۵۱۳) به این نظریه تصریح کرده‌اند و آیات عظام تبریزی (تبریزی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۱۵)، بهجت (بهجت، ۱۴۲۴ق، ص ۱۱۰)، خامنه‌ای (خامنه‌ای، ۱۴۲۶ق، ص ۷۳) و سیستانی (افتخاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۹۴) نیز به احتیاط واجب، رفتن زیر سایه متحرک را بعد از منزل، جایز نمی‌دانند. مطابق این نظریه، مُحرم حتی پس از رسیدن به منزل نیز باید از حرکت زیر سایه متحرک اجتناب نماید.

نظریه سوم: تفصیل بین حالت سواره و حالت پیاده

برخی معتقدند حرمت استتلال در حال طی مسیر، مختص به حالت سواره است. از این رو، استتلال با سایه متحرک، مثل چتر؛ چه در طی مسیر و چه بعد از منزل، در حال پیاده‌روی اشکالی ندارد.

مرحوم نراقی (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۳۰) این نظریه را مطرح کرده و آن را به تعدادی از فقها از جمله شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۲۱)، شهید اول (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۸) و شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۴۴؛ همو، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۶۵) نسبت داده است.

از بیانات محقق اردبیلی (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۳۲۱)، صاحب حدائق (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۵، ص ۴۸۴)، صاحب ریاض (طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۰۴) و صاحب مدارک (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۳۶۴) نیز چنین برداشتی محتمل است. بسیاری از فقها (طوسی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۴۷۸؛ همو، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۲۱؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۱۶۳؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۴۷؛ حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۸۷) نیز عبارت «و يجوز له أن يمشي تحت الظلال» را آورده‌اند که بر این نظریه قابل حمل است.

هر چند نسبت این نظریه تنها به شهید ثانی و صاحب مدارک صحیح است، اما در بقیه این نسبت‌ها و برداشت‌ها تردید وجود دارد؛ زیرا با دقت در عبارات ایشان، مشخص می‌شود مقصود بیشتر این بزرگواران از مطرح کردن جواز استظلال به سایه محمل در حال پیاده‌روی، تفصیل بین حالت سواره و پیاده نیست؛ بلکه مقصود، جواز استظلال جانبی (سایه‌ای که بر بالای سر قرار نمی‌گیرد) است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۵، ص ۴۸۵) که در پایان مقاله بررسی خواهد شد.

افزون بر این، از اینکه مرحوم نراقی این نظریه را به علامه در منتهی هم نسبت داده، اشتباه نسبت ایشان به فقها روشن‌تر می‌شود؛ زیرا عبارت ایشان چنین است:

«و إذا نزل جاز أن يستظلّ بالسقف و الحائط و الشجرة و الخباء و الخيمة، فإن نزل تحت شجرة طرح عليها ثوباً يستتر به، و أن يمشي تحت الظلال، و أن يستظلّ بثوب ينصبه إذا كان سائراً و نازلاً، لكن لا يجعله فوق رأسه سائراً خاصة لضرورة أو غير ضرورة عند جميع أهل العلم» (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۸۲).

این عبارت که فقها برداشت‌های مختلفی از آن داشته‌اند، از دو قسمت تشکیل شده است: قسمت اول (آن يستظلّ بثوب ينصبه إذا كان سائراً و نازلاً) بر نظریه اول

دلالت دارد که مطلق استظلال را چه در حال توقف و چه در حال حرکت، بعد از منزل، جایز می‌داند؛ زیرا عبارت با «إذا نزل» آغاز می‌شود. قسمت دوم (لکن لا یجعلہ فوق رأسہ سائرا) که مقصود قسمت اول را روشن می‌کند، تنها بر جواز استظلال جانبی در حال حرکت بعد از منزل دلالت دارد. بنابراین، این عبارت و عبارت بیشتر فقہایی که مرحوم نراقی آنها را موافق نظر خود دانسته، بر جواز استظلال جانبی دلالت دارد که در پایان مقاله خواهد آمد؛ همچنان که مقصود از عبارت «و یجوز لہ أن یمشی تحت الظلال»، جواز استظلال با سایه‌های ثابت است که از مسلمات بحث است.

ادله فقہا

ادله نظریه اول (جواز مطلق استظلال)

دلیل اول: اطلاق روایاتی که استظلال در منزل را جایز دانسته‌اند

روایت محمد بن فضیل و بشیر بن اسماعیل:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ وَ بَشِيرِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: قَالَ لِي مُحَمَّدٌ أَلَا أَسْرُكَ يَا ابْنَ مَثْنَى فَقُلْتُ بَلَى فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَقَالَ لِي دَخَلَ هَذَا الْفَاسِقُ أَنْفًا فَجَلَسَ قُبَالَةَ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا تَقُولُ فِي الْمَحْرَمِ يَسْتَظِلُّ عَلَى الْمُحْمَلِ فَقَالَ لَهُ لَا قَالَ فَيَسْتَظِلُّ فِي الْحَبَاءِ فَقَالَ لَهُ نَعَمْ فَأَعَادَ عَلَيْهِ الْقَوْلَ شَبَهَ الْمُسْتَهْزِئِ يَضْحَكُ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَمَا فَرْقُ بَيْنَ هَذَا فَقَالَ: يَا أَبَا يُوسُفَ إِنَّ الدِّينَ لَيْسَ يُقَاسُ كَقِيَاسِكُمْ أَنْتُمْ تَلْعَبُونَ إِنَّا صَنَعْنَا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ قُلْنَا كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَرْكَبُ رَاحِلَتَهُ فَلَا يَسْتَظِلُّ عَلَيْهَا وَ تُؤْذِيهِ الشَّمْسُ فَيَسْتُرُ بَعْضَ جَسَدِهِ بِبَعْضٍ وَ رَبِّمَا يَسْتُرُ وَجْهَهُ بِيَدِهِ وَ إِذَا نَزَلَ اسْتَظَلَ بِالْحَبَاءِ وَ فِي الْبَيْتِ وَ بِالْجِدَارِ» (حرر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، صص ۵۲۱ - ۵۲۰).

تقریب استدلال

این روایت مطلقاً استظلال بعد از منزل را جایز دانسته است که سایه ثابت و متحرک را شامل می‌شود.

اشکال

این روایت نسبت به سایه متحرک اطلاقی ندارد و مختص سایه ثابت است؛ زیرا عبارت «اسْتَظَّلَ بِالْحَبَاءِ وَفِي الْبَيْتِ وَبِالْجِدَارِ» تنها شامل سایه‌های ثابت است. افزون بر اینکه روایت از نظر سندی دارای اشکال است.

روایت محمد بن فضیل:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ قَالَ: كُنَّا فِي دِهْلِيْزِ يَحْيَى بْنِ خَالِدٍ بِمَكَّةَ وَكَانَ هُنَاكَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى ع وَأَبُو يُوسُفَ فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو يُوسُفَ وَتَرَبَّعَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ جَعَلْتَ فِدَاكَ الْمُحْرِمُ يُظَلُّ؟ قَالَ لَا قَالَ فَيَسْتَظِلُّ بِالْجِدَارِ وَالْمُحْمِلِ وَيَدْخُلُ الْبَيْتَ وَالْحَبَاءَ قَالَ نَعَمْ، قَالَ فَضَحِكَ أَبُو يُوسُفَ شِبْهَ الْمُسْتَهْزِئِ فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ ع يَا أَبَا يُوسُفَ إِنَّ الدِّينَ لَيْسَ يُقَاسُ كَقِيَاسِكَ وَقِيَاسِ أَصْحَابِكَ إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - أَمَرَ فِي كِتَابِهِ بِالطَّلَاقِ وَآكَدَ فِيهِ شَاهِدِينَ وَلَمْ يَرْضَ بِهِمَا إِلَّا عَدْلَيْنِ وَأَمَرَ فِي كِتَابِهِ بِالتَّزْوِيجِ وَأَهْمَلَهُ بِمَا لَشُهُودٍ فَآتَيْتُمْ بِشَاهِدَيْنِ فِيمَا أَبْطَلَ اللَّهُ وَأَبْطَلْتُمْ شَاهِدَيْنِ فِيمَا آكَدَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - وَأَجَزْتُمْ طَلَاقَ الْمُجْنُونِ وَالسَّكَرَانِ حَجَّ رَسُولِ اللَّهِ ص فَأَحْرَمَ وَلَمْ يُظَلِّ وَدَخَلَ الْبَيْتَ وَالْحَبَاءَ وَاسْتَظَلَّ بِالْمُحْمِلِ وَالْجِدَارِ فَقُلْنَا كَمَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَسَكَتَ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، صص ۵۲۲ - ۵۲۱).

تقریب استدلال

این روایت مطلقاً استظلال بعد از منزل را جایز دانسته است که سایه ثابت و متحرک را شامل می‌شود. افزون بر اینکه عبارت «اسْتَظَلَّ بِالْمُحْمِلِ» در روایت، شامل سایه متحرک می‌شود.

اشکال

روایت از نظر سندی دارای اشکال است.

روایت حسین بن مسلم:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ مَا فَرْقُ بَيْنَ الْفُسْطَاطِ وَبَيْنَ ظِلِّ الْمُحْمِلِ؟ فَقَالَ لَا يَنْبَغِي أَنْ يُسْتَظَلَ فِي الْمُحْمِلِ وَالْفَرْقُ بَيْنَهُمَا أَنَّ الْمُرَاةَ تَطْمَثُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَتَقْضِي الصَّيَامَ وَلَا تَقْضِي الصَّلَاةَ قَالَ صَدَقْتَ جُعِلْتُ فِدَاكَ. (قَالَ الصَّدُوقُ يَعْنِي أَنَّ السُّنَّةَ لَا تُقَاسُ)» (حرر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۲۲).

تقریب استدلال

این روایت مطلقاً استتلال بعد از منزل را جایز دانسته است که شامل ثابت و متحرک را شامل می‌شود.

اشکال

روایت اطلاقی ندارد و مختص سایه ثابت است؛ زیرا تنها رفتن زیر سایه فسطاط (خیمه) در این روایت اجازه داده شده که سایه‌ای ثابت است. البته روایت از نظر سندی قابل اعتماد است؛ چون هر چند حسین بن مسلم (حسین بن اسلم) در کتب رجالی دارای توثیق و تضعیف نیست، اما از آنجا که شیخ صدوق از کتاب او روایت نقل کرده و در مقدمه کتاب متعهد شده که از کتب مشهور معول و مرجع روایت نقل کند (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴)، صاحب کتاب نیز فرد معتبر و مرجعی خواهد بود.

مرسله عثمان بن عیسی:

«عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: قَالَ أَبُو يُوسُفَ لِلْمَهْدِيِّ وَعِنْدَهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام أَتَأْذُنِي لِي أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ لَيْسَ عِنْدَهُ فِيهَا شَيْءٌ فَقَالَ لَهُ نَعَمْ، فَقَالَ لِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام أَسْأَلُكَ قَالَ نَعَمْ قَالَ مَا تَقُولُ فِي التَّظْلِيلِ لِلْمُحْرَمِ

قَالَ لَا يَصْلُحُ قَالَ فَيَضْرِبُ الْحِبَاءَ فِي الْأَرْضِ وَيَدْخُلُ الْبَيْتَ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَمَا الْفَرْقُ
 بَيْنَ هَذَيْنِ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام مَا تَقُولُ فِي الطَّامِثِ أَتَقْضِي الصَّلَاةَ قَالَ لَا قَالَ فَتَقْضِي
 الصَّوْمَ قَالَ نَعَمْ قَالَ وَلَمْ قَالَ هَكَذَا جَاءَ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام وَهَكَذَا جَاءَ هَذَا فَقَالَ
 الْمُهْدِيُّ لِأَبِي يُوسُفَ مَا أَرَاكَ صَنَعْتَ شَيْئًا قَالَ رَمَانِي بِحَجَرٍ دَامِغٍ (حرر عاملی،
 ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، صص ۵۲۳-۵۲۲).

تقریب استدلال

این روایت مطلقاً استتلال بعد از منزل را جایز دانسته است که سایه ثابت و متحرک را شامل می شود.

اشکال

روایت اطلاقی ندارد و مختص سایه ثابت است؛ زیرا در این روایت تنها استفاده از سایه خیمه مطرح شده که سایه ای ثابت است. افزون بر اینکه روایت، مرسله است و از نظر سندی مشکل دارد.
 صحیحه بزندی:

«عَنِ الْبَزَنْطِيِّ عَنِ الرَّضَاءِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ أَيُّشٍ فَرَّقَ مَا بَيْنَ ظِلَالِ الْمُحْرِمِ وَالْحِبَاءِ
 فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ السُّنَّةَ لَا تُقَاسُ» (حرر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۲۳).

تقریب استدلال

این روایت مطلقاً استتلال بعد از منزل را جایز دانسته است که سایه ثابت و متحرک را شامل می شود.

اشکال

هر چند روایت از نظر سندی صحیحه است، اما اطلاق ندارد و مختص سایه ثابت است؛ زیرا «حباء» به معنای خیمه است و سایه خیمه جزو سایه های ثابت است.

روایت احتجاج:

«أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الطَّرِسِيُّ فِي الإِحْتِجَاجِ قَالَ: سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام بِمَحْضَرٍ مِنَ الرَّشِيدِ وَهُمْ بِمَكَّةَ فَقَالَ لَهُ أَيْجُوزُ لِلْمُحْرَمِ أَنْ يُظَلَّلَ عَلَيْهِ حَمَلُهُ فَقَالَ لَهُ مُوسَى عليه السلام لَا يُجُوزُ لَهُ ذَلِكَ مَعَ الإِخْتِيَارِ فَقَالَ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ أَيْجُوزُ أَنْ يَمْشِيَ تَحْتَ الظَّلَالِ مُخْتَاراً فَقَالَ لَهُ نَعَمْ فَتَضَاحَكَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام أَتَعْجَبُ مِنْ سُنَّةِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَتَسْتَهْزِئُ بِهَا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَشَفَ ظِلَالَهُ فِي إِحْرَامِهِ وَ مَشَى تَحْتَ الظَّلَالِ وَهُوَ مُحْرِمٌ إِنَّ أَحْكَامَ اللَّهِ يَا مُحَمَّدُ لَا تَقَاسُ فَمَنْ قَاسَ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ فَسَكَتَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ لَا يُرْجِعُ جَوَاباً» (حرّ عاملى، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۲۳).

تقريب استدلال

این روایت مطلقاً استظلال بعد از منزل را جایز دانسته است که سایه ثابت و متحرک را شامل می‌شود؛ زیرا عبارت «مَشَى تَحْتَ الظَّلَالِ» مطلق است و شامل سایه متحرک می‌شود.

اشکال

دلالت این روایت تام است؛ اما از نظر سندى، به دلیل مرسله بودن، دارای اشکال است و نمی‌توان با استناد به آن، استظلال به سایه متحرک را در حال توقف ثابت کرد.

روایت حمیری:

«وَ عَنهُ (الطَّرِسِيُّ فِي الإِحْتِجَاجِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام) أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الْمُحْرَمِ يَسْتِظِلُّ مِنَ المَطَرِ بِنَطْعٍ أَوْ غَيْرِهِ حَدَرًا عَلَى ثِيَابِهِ وَ مَا فِي حَمَلِهِ أَنْ يَبْتَلَّ فَهَلْ يُجُوزُ ذَلِكَ؟ الجَوَابُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فِي المَحْمِلِ فِي طَرِيقِهِ فَعَلَيْهِ دَمٌ» (حرّ عاملى، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۲۵).

تقريب استدلال

در این روایت عبارت «فِي طَرِيقِهِ» در پاسخ امام عليه السلام آمده است، که نشان از دخالت این قید در مسئله دارد و ممنوعیت استظلال را به حال طی مسیر مختص

می‌کند. بنابراین در مقابل طریق، هر نوع استظلالی در غیر طریق (منزل) از جمله استظلال به سایه متحرک، جایز خواهد بود؛ به ویژه اینکه به سایه سقف محمل تصریح شده است (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۲، صص ۵۴۹ - ۵۴۸).

اشکال

با اینکه دلالت روایت تام است، مشکل سندی دارد؛ زیرا واسطه‌ها از طبرسی تا حمیری مشخص نیستند.

تقریب استدلال به مجموع روایات (شش روایت اول)

با بررسی تک‌تک روایات، مشخص شد روایاتی که از نظر سندی تام هستند، از نظر دلالت دچار مشکل‌اند (چون در آنها به جواز سایه‌های متحرک اشاره نشده است) و روایاتی هم که از نظر دلالت تام هستند و در آنها سایه‌های متحرک جایز دانسته شده یا اطلاق دارند، از نظر سندی دچار مشکل‌اند؛ اما به نظر می‌رسد می‌توان این مشکل را حل کرد؛ به این بیان که با توجه به استدلال ائمه علیهم‌السلام با مخالفین، مشخص می‌شود روایات در مقام بیان فرق بین استظلال در حال طی مسیر و استظلال در حال توقف و بعد از منزل هستند و ذکر مواردی همچون خباء و فسطاط (خیمه) در این روایات، از باب ذکر مصداق است. از این رو، میان سایه خیمه (ثابت) و سایه چتر (متحرک) در جواز استظلال بعد از منزل، تفاوتی وجود ندارد (گلپایگانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۳۵؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۸، ص ۴۹۹)؛ به ویژه اینکه تقریباً همه روایات مطرح شده بیانگر یک مضمون هستند و آن، ردّ فقه قیاسی اهل سنت و بیان تفاوت آن با فقه ناب شیعه که از رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اخذ شده و ردّ تعجب آنان از تفاوت بین استظلال در حال طی مسیر و استظلال در حال توقف و پاسخ ائمه علیهم‌السلام و ردّ قیاس.

بنابراین با در نظر گرفتن مجموع روایات، که در برخی از آنها به سایه‌های ثابت و در برخی دیگر به سایه‌های متحرک اشاره شده، مشخص می‌شود ائمه علیهم‌السلام در مقام بیان فرق بین حالت طی مسیر و حرمت استظلال در این حال، و حال توقف و جواز استظلال در این حال هستند و از نظر سایه‌های ثابت و متحرک تفاوتی وجود ندارد.

با این بیان مشکل سندی روایات نیز حل می‌شود؛ زیرا این مضمون تواتر معنوی یا استفاضه دارد و نیازی به بررسی سندی تک تک روایات نیست.

دلیل دوم: اطلاق روایاتی که تنها استتلال در حال رکوب (سواره) را حرام دانسته‌اند:

صحیحه محمد بن مسلم:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: سَأَلْتَهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَرْكَبُ الْقُبَّةَ فَقَالَ لَا، قُلْتُ فَاَلْمَرْأَةُ الْمُحْرِمَةُ قَالَ نَعَمْ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۵).

صحیحه حلبی:

«عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَرْكَبُ فِي الْقُبَّةِ قَالَ مَا يُعْجِبُنِي إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَرِيضًا قُلْتُ فَالنِّسَاءُ قَالَ نَعَمْ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۶).

صحیحه صفوان:

«عَنْ صَفْوَانَ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَرْكَبُ فِي الْكَنِيسَةِ؟ فَقَالَ لَا وَهُوَ لِلنِّسَاءِ جَائِزٌ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۶).

روایت قاسم بن صیقل:

«عَنْ قَاسِمِ بْنِ الصَّقِيلِ قَالَ: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا كَانَ أَشَدَّ تَشَدِيدًا فِي الظِّلِّ مِنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام كَانَ يَأْمُرُ بِقَلْعِ الْقُبَّةِ وَالحَاجِبِينَ إِذَا أَحْرَمَ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۸).

صحیحه حریر:

«عَنْ حَرِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ بِالْقُبَّةِ عَلَى النِّسَاءِ وَ الصَّبِيَّانِ وَ هُمُ الْمُحْرِمُونَ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۹).

تقریب استدلال به روایات

از این روایات که با توجه به واژه‌های «قبه» و «کنیسه»، تنها تظلیل در حال رکوب را حرام دانسته‌اند، استفاده می‌شود که استتلال در منزل مطلقاً جایز است؛ چه سایه ثابت باشد و چه سایه متحرک.

اشکال

با استناد به این روایات، نظریه سوم ثابت می‌شود و تنها حرکت در زیر سایه‌های متحرک در حال پیاده‌روی جایز خواهد بود؛ چون در مقابل حالت رکوب و سواره، حالت پیاده است، نه اینکه مطلق استظلال پس از منزل جایز شود؛ زیرا پس از منزل نیز شخص برای رفتن به مسجد الحرام یا ... نیازمند استفاده از مرکب است.

پاسخ

شاید به دلیل اینکه در زمان صدور روایات، پس از منزل نیازی به مرکب نبوده است، بیان حالت رکوب منصرف باشد به حال طی مسیر قبل از منزل. در این صورت می‌توان از این روایات مطلق استظلال (ثابت و متحرک، سواره و پیاده) بعد از منزل را جایز دانست.

ادله نظریه دوم (عدم جواز استظلال)

دلیل اول: اطلاق روایات مانع از استظلال

صحیحہ عبد الله بن مغیره:

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحُسَيْنِ الْأَوَّلِ عليه السلام أَظَلُّ وَأَنَا مُحْرِمٌ قَالَ لَا قُلْتُ أَفَظَلُّ وَأَكْفَرُ قَالَ لَا قُلْتُ فَإِنْ مَرَضْتُ قَالَ ظَلُّ وَكَفْرٌ ثُمَّ قَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ مَا مِنْ حَاجٍّ يَضْحَى مُلْبِيًّا حَتَّى تَغِيبَ الشَّمْسُ إِلَّا غَابَتْ ذُنُوبُهُ مَعَهَا» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۶).

صحیحہ دوم عبد الله بن مغیره:

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحُسَيْنِ عليه السلام عَنِ الظَّلَالِ لِلْمُحْرِمِ فَقَالَ أَضَحَ لِمَنْ أَحْرَمْتَ لَهُ قُلْتُ لِي مَحْرُورٌ وَإِنَّ الْحَرَّ يَشْتَدُّ عَلَيَّ فَقَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الشَّمْسَ تَعْرُبُ بِذُنُوبِ الْمُحْرِمِينَ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۸).

صحیحہ اسماعیل بن عبد الخالق:

«عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَلْ يَسْتَتِرُ الْمُحْرِمُ مِنَ الشَّمْسِ؟

فَقَالَ لَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ شَيْخًا كَبِيرًا أَوْ قَالَ ذَا عِلَّةٍ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۸).

موثقه عثمان بن عیسی:

«عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى الْكِلَابِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحُسَيْنِ الْأَوَّلِ عليه السلام إِنَّ عَلِيَّ بْنَ شَهَابٍ يَشْكُو رَأْسَهُ وَالْبَرْدُ شَدِيدٌ وَيُرِيدُ أَنْ يُحْرِمَ فَقَالَ إِنْ كَانَ كَمَا زَعَمَ فَلْيُظَلَّلْ وَأَمَّا أَنْتَ فَاضْحَ لِمَنْ أَحْرَمْتَ لَهُ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۹).

موثقه اسحاق بن عمار:

«عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَحْرَمِ يُظَلَّلُ عَلَيْهِ وَهُوَ مُحْرَمٌ قَالَ لَا إِلَّا مَرِيضٌ أَوْ مَنْ بِهِ عِلَّةٌ وَالَّذِي لَا يُطِيقُ الشَّمْسَ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۷).

روایت محمد بن منصور:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْهُ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الظَّلَالِ لِلْمُحْرَمِ فَقَالَ لَا يُظَلَّلُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ أَوْ مَرَضٍ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۷).

روایت زراره:

«عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرَمِ أَيَتَغَطَّى قَالَ أَمَّا مِنَ الْحَرِّ وَالْبَرْدِ فَلَا» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۹).

تقریب استدلال

این روایات اطلاق دارند و استتلال را مطلقاً چه در حال حرکت و چه بعد از منزل، حرام دانسته‌اند و تنها در حالت پیری و مریضی به استتلال اجازه داده شده است. روایاتی که در ذیل نظریه قبل مطرح شد، استتلال بعد از منزل را تقیید زده و استثنا کرده است. قدر متیقن از استثنا و تقیید از استتلال، استتلال به سایه‌های ثابت مثل خانه، چادر، دیوار و... است (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۲، ص ۵۹۱).

اشکال

این روایات مطلق استتلال را ممنوع دانسته‌اند. روایات نظریه اول هم هرچند از جهت سایه ثابت و متحرک اطلاق دارند، از حیث منزل، نسبت به روایات مطلق

استظلال، مقید هستند. بنابراین، اطلاق روایات مانع از استظلال، توسط ادله نظریه اول (جواز مطلق استظلال بعد از منزل) تقید می‌خورند. اکتفا به قدر متیقن در جایی است که مفهوم روایات مقید، ابهام داشته باشد؛ درحالی که این روایات ابهامی ندارند و از حیث سایه ثابت و متحرک اطلاق دارند. بحث تفصیلی این تقید در جمع بین روایات خواهد آمد.

دلیل دوم: سیره

سیره متشرعه اصحاب امامیه از گذشته تاکنون این است که در مکه یا عرفات چتر در دست نمی‌گیرند و هر کسی که چتر داشته باشد، مشخص می‌شود از اهل سنت است (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۲، ص ۵۹۱).

اشکال

اولاً: اصل وجود چنین سیره‌ای محل تأمل است؛
ثانیاً: سیره‌ای حجت است که اتصال آن به زمان معصومین علیهم‌السلام معلوم باشد. بعید نیست این سیره بر گرفته از فتاوی فقها باشد؛
ثالثاً: معلوم نیست استفاده نکردن از چتر به دلیل حرمت آن باشد. شاید به سبب کراهت یا مرجوحیت آن باشد که البته بعید است بر فرض ثبوت سیره، همه به رعایت مکروهات مقید باشند.

ادله نظریه سوم (تفصیل بین حالت سواره و حالت پیاده)

دلیل اول: صحیحه محمد بن اسماعیل

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيعٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الرَّضَاءِ عليه السلام هَلْ يُجُوزُ لِلْمُحْرِمِ أَنْ يَمْشِيَ تَحْتَ ظِلِّ الْمُحْمِلِ فَكَتَبَ نَعَمْ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۲۴).

تقریب استدلال

در این روایت صحیحه، به صراحت، مشی (پیاده‌روی) زیر سایه محمل جایز دانسته شده است. سایه محمل خصوصیتی ندارد و مقصود، جواز استظلال در حال پیاده‌روی است.

اشکال

با توجه به روایاتی که هر نوع استظلالی را در حال طی مسیر ممنوع دانسته‌اند، علت استثنا استظلال به سایه محمل، حرکت به صورت پیاده نیست؛ بلکه چون سایه محمل به صورت عمودی بر سر شخص نمی‌افتد و استظلال جانبی به شمار می‌رود، جایز دانسته شده است.

شاهد این ادعا، روایت حمیری است، که با صرف نظر از عدم صحت سند، نشان می‌دهد که مطلق استظلال جانبی مجاز دانسته شده است؛ چه در حال سواره و چه در حال پیاده‌روی؛ زیرا امام علیه السلام بر نداشتن چوبه‌های محمل را جایز دانسته است:

«أَخْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الطَّبْرِيِّ فِي الإِحْتِجَاجِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام يَسْأَلُهُ عَنِ الْمُحْرَمِ يَرْفَعُ الظَّلَالَ هَلْ يَرْفَعُ خَشَبَ الْعَمَّارِيَّةِ أَوِ الْكَنَيْسَةِ وَيَرْفَعُ الْجُنَاحِينَ أَمْ لَا فَكَتَبَ إِلَيْهِ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ فِي تَرْكِهِ رَفْعِ الخَشَبِ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۲۵).

ان قلت: در روایت صحیحه مورد استدلال، قرار گرفتن «تحت المحمل» مطرح شده است. پس نمی‌توان آن را بر سایه جانبی حمل کرد (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۳۱). قلت: عبارت روایت «تَحْتَ ظِلِّ الْمُحْمَلِ» است، نه تحت المحمل؛ یعنی زیر سایه محمل، که قطعاً کسی نمی‌تواند در حالت پیاده‌روی زیر محمل برود؛ بلکه در کنارش و زیر سایه آن حرکت می‌کند.

دلیل دوم: روایت احتجاج

«أَخْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الطَّبْرِيِّ فِي الإِحْتِجَاجِ قَالَ: سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام بِمَحْضَرٍ مِنَ الرَّشِيدِ وَهُمْ بِمَكَّةَ فَقَالَ لَهُ أَيْ جُوزٌ لِلْمُحْرَمِ أَنْ يُظَلَّلَ عَلَيْهِ مَحْمَلُهُ فَقَالَ لَهُ مُوسَى عليه السلام لَا يُجُوزُ لَهُ ذَلِكَ مَعَ الإِخْتِيَارِ فَقَالَ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ أَيْ جُوزُ أَنْ يَمْشِيَ تَحْتَ الظَّلَالِ مُخْتَاراً فَقَالَ لَهُ نَعَمْ فَتَضَاحَكَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام أَعْجَبُ مِنْ سُنَّةِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَتَسْتَهْزِئُ بِهَا

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَشَفَ ظِلَالَهُ فِي إِحْرَامِهِ وَمَشَى تَحْتَ الظَّلَالِ وَهُوَ مُحْرِمٌ إِنَّ أَحْكَامَ اللَّهِ يَا مُحَمَّدُ لَا تُقَاسُ فَمَنْ قَاسَ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ فَسَكَتَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ لَا يُرْجَعُ جَوَابًا (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۲۳).

تقریب استدلال

در این روایت پیاده روی زیر هر نوع سایه ای جایز دانسته شده، در مقابل حرمت استظلال در حالت سواره و همین تفاوت باعث تعجب و تمسخر محمد بن حسن شده است، که امام علیه السلام با ردّ قیاس، پاسخ وی را می دهد.

اشکال

این روایت در زمره روایاتی است که اعتراض اهل سنت بر تفاوت بین استظلال در حال طی مسیر و بعد از منزل و پاسخ ائمه علیهم السلام را مطرح می کند، که در ضمن دلیل اول روایات نظریه اول گذشت. بنابراین، مراد از جواز مشی تحت الظلال، جواز استظلال به سایه های ثابت در توقفگاه ها یا بعد از منزل است. افزون بر اینکه سند روایت قابل اعتماد نیست.

دلیل سوم

در بیشتر روایاتی که در مقام حرمت استظلال در حال احرام هستند - که در ضمن روایات دلیل دوم نظریه اول گذشت - عباراتی همچون محمل و کنیسه و قبه مطرح شده است که همگی در حال سواره به کار می روند. بنابراین، استظلال در حال پیاده روی اشکالی ندارد (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۳۱).

اشکال

در مقابل این روایات، بسیاری از روایات نیز مطلق استظلال در طی مسیر را ممنوع دانسته و به محرم دستور داده اند که مطلقاً زیر سایه قرار نگیرد «فَاصْحَ لِمَنْ أَحْرَمْتَ لَهُ». این روایات در ضمن ادله نظریه دوم گذشت. استفاده از واژه های محمل و کنیسه و قبه نیز به این دلیل بوده که

غالب افرادی که محرم می‌شده‌اند، سواره تا مکه می‌رفته‌اند. غلبه افرادی موجب تقیید مطلقات نمی‌شود. بنابراین، نمی‌توان با استناد به این روایات، استتلال در حال پیاده‌روی را؛ چه در طی مسیر و چه بعد از منزل، اثبات کرد؛ بلکه با توجه به بیانی که در ضمن ادله نظریه اول گذشت، این روایات می‌توانند مطلق استتلال بعد از منزل را اثبات کنند.

جمع بین روایات

با توجه به مطالب مطرح‌شده، مشخص شد که ادله نظریات دوم و سوم خالی از اشکال نیستند و در مقابل، برخی از ادله نظریه اول تام‌اند. در نتیجه جواز مطلق استتلال به سایه متحرک بعد از منزل ثابت می‌شود. اما برای روشن شدن مطلب باید نسبت روایات با یکدیگر مشخص شود. بنابراین، ابتدا باید وجوه جمع عرفی بین روایات مطرح گردد و در صورت عدم وجود جمع عرفی و استقرار تعارض، با کمک مرجحات منصوصه (شهرت، موافقت کتاب و مخالفت عامه) یک دسته مقدم شود و در انتها مقتضای اصول عملیه بیان گردد.

ما چهار دسته روایات داریم:

دسته اول؛ روایاتی که از مطلق استتلال (چه در مسیر و چه در منزل، چه با سایه ثابت و چه با سایه متحرک) نهی کرده‌اند؛
دسته دوم؛ روایاتی که مقید روایات دسته اول‌اند و مطلق استتلال بعد از منزل (چه سایه ثابت و چه سایه متحرک) را اجازه داده‌اند؛
دسته سوم؛ روایاتی که مقید دیگر روایات دسته اول‌اند و استتلال به سایه ثابت را مطلقاً (چه در مسیر و چه در منزل) اجازه داده‌اند؛
دسته چهارم؛ روایاتی که استتلال جانبی را مطلقاً (چه در مسیر و چه در منزل) اجازه داده‌اند. این دسته نیز مقید دیگر روایات دسته اول‌اند.

اشکال

جمع عرفی تقیید اطلاق در جایی انجام می‌گیرد که روایات مقید، خود اطلاق نداشته باشند؛ زیرا در این صورت، دیگر رابطه بین روایات، عموم و خصوص مطلق

نخواهد بود؛ بلکه نسبت عموم و خصوص من وجه است و در عام و خاص من وجه، جمع عرفی نداریم و بین دو دسته تعارض خواهد بود. در بحث ما نیز هر سه دسته روایات مقیده، از حیثی مطلق هستند و از این رو، نمی‌توان تقیید اطلاق را پذیرفت؛ مگر با مبنای انقلاب نسبت که عرفی و صحیح نیست.

پاسخ

این اشکال در مورد نسبت بین روایات مقید با همدیگر وارد است؛ اما نسبت بین روایات دسته اول با بقیه دسته‌ها، عموم و خصوص مطلق است. برای روشن شدن مطلب، تک تک دسته‌ها را با روایات دسته اول می‌سنجیم:

روایات دسته اول از مطلق استظلال (چه در مسیر و چه در منزل، چه با سایه ثابت و چه با سایه متحرک) نهی کرده‌اند. روایات دسته دوم، مطلق استظلال بعد از منزل (چه سایه ثابت و چه سایه متحرک) را اجازه داده‌اند. در مورد سایه ثابت و سایه متحرک، هر دو اطلاق دارند؛ ولی در مورد مسیر و منزل تنها روایات دسته اول اطلاق دارد. بنابراین، روایات دسته دوم بی‌هیچ اشکالی، روایات دسته اول را تقیید می‌زنند و نتیجه تقیید این می‌شود که استظلال (چه سایه ثابت و چه سایه متحرک) در حال طی مسیر، ممنوع، و بعد از منزل جایز است.

روایات دسته سوم استظلال به سایه ثابت را مطلقاً (چه در مسیر و چه در منزل) اجازه داده‌اند. پس اطلاق روایات دسته اول نسبت به سایه ثابت و متحرک تقیید می‌خورد و نتیجه تقیید این می‌شود که استظلال به سایه ثابت، مطلقاً (چه در مسیر و چه در منزل) جایز است.

روایات دسته چهارم استظلال جانبی را مطلقاً (چه در مسیر و چه در منزل) اجازه داده‌اند که این دسته نیز اطلاق روایات دسته اول نسبت به استظلال جانبی را تقیید می‌زند و نتیجه تقیید این می‌شود که استظلال جانبی، مطلقاً (چه در مسیر و چه در منزل) جایز خواهد بود.

بنابراین، عام فوقانی ما، حرمت مطلق استظلال است که با سه دسته دیگر تقیید می‌خورد. نتیجه تقیید دسته اول، این است که استظلال ممنوع است، مگر در سه حالت:

اول استظلال بعد از منزل؛ دوم استظلال با سایه ثابت؛ سوم استظلال با سایه جانبی. بنابراین، استظلال بعد از منزل مطلقاً (چه سایه ثابت و چه سایه متحرک) و استظلال با سایه ثابت و سایه جانبی مطلقاً (چه در مسیر و چه در منزل) جایز است.

تبادل و ترجیح

با توجه به تقیید اطلاق روایات و اثبات نظریه اول، نوبت به تبادل و ترجیح نمی‌رسد؛ اما شایسته است بر فرض عدم امکان جمع بین روایات، مرجحات منصوصه (شهرت، موافقت کتاب و مخالفت عامه) را در مورد این سه نظریه و ادله آنها بررسی کنیم. در مورد اینکه کدام یک از شهرت‌ها مرجح بین روایات متعارض است، اختلاف وجود دارد. از این رو، ما به هر سه شهرت اشاره می‌کنیم. هیچ یک از سه شهرت، نمی‌تواند مرجح یکی از نظریات باشد؛ زیرا با توجه به اینکه هر سه نظریه قائلینی دارد، شهرت فتوایی ثابت نیست. شهرت عملی نیز با هیچ کدام از سه دسته نیست؛ چرا که اصحاب به دسته‌های مختلف روایات عمل کرده‌اند و از هیچ دسته‌ای اعراض نشده است. شهرت روایی (تعداد روایات) نیز مرجح هیچ یک از دسته‌های روایات نیست. موافقت کتاب وجود ندارد؛ زیرا در مورد حرمت استظلال محرم، آیه‌ای وجود ندارد؛ اما مخالفت با عامه مرجح نظریه دوم است؛ چون گفتیم که بسیاری از فقهای اهل سنت مطلق استظلال در طی مسیر را جایز می‌دانند. بنابراین، تنها مرجح سوم بدون اشکال است که با نظریه دوم (عدم جواز مطلق استظلال زیر سایه متحرک) موافق است.

اصول عملیه

با این فرض که در هیچ یک از مراحل گذشته، به نتیجه نرسیم و بخواهیم به سراغ اصول عملیه برویم، باید بگوییم از میان اصول عملیه، اصل استصحاب موافق نظریه دوم است؛ زیرا در حال طی مسیر، ممنوعیت استظلال به سایه متحرک یقینی است. پس از رسیدن به منزل، شک داریم این ممنوعیت باقی است؛ آن را استصحاب می‌کنیم و در نتیجه استظلال به سایه متحرک، پس از منزل نیز ممنوع خواهد بود.

هر چند محل بحث از مصادیق شبهه تحریمیه‌ای است که منشأ آن اجمال نص یا تعارض نصوص است، که محل جریان براءت و در نتیجه اثبات نظریه اول است، اما احتیاط مقتضی حرمت استظلال به سایه متحرک است.

مقصود از استظلال

پس از روشن شدن حکم استظلال برای محرم، باید مقصود از استظلال نیز مشخص شود. آیا مقصود از استظلال، عدم الاضحاء است (اضحاء یعنی در مقابل سقف آسمان قرار گرفتن)، یا پوشش و ستر؟

پاسخ به این سؤال، پاسخ سه سؤال دیگر در موضوع استظلال را می‌دهد؟ پاسخ سؤال اصلی را در ضمن سؤال اول می‌دهیم.

سؤال اول: اگر نور خورشید از یکی از جانبین به سر و صورت شخص بتابد، آیا باز وجود سقف بالای سر ممنوع است؟

سؤال دوم: آیا تنها سایه عمودی و بالای سر ممنوع است یا سایه‌های جانبی (سایه دیواره ماشین و...) را نیز شامل می‌شود؟

سؤال سوم: استظلال در روزهای ابری یا شب جایز است یا در مورد استظلال تفاوتی بین شب و روز وجود ندارد؟

بررسی سؤال اول

اگر نور خورشید از یکی از جانبین به سر و صورت شخص بتابد، آیا باز وجود سقف بالای سر ممنوع است؟ به عبارت دیگر اگر شخص در محمل یا ماشین مسقف بنشیند، اما سرش را بیرون بیاورد، به گونه‌ای که آفتاب بر سرش بتابد، آیا باز مرتکب حرام شده است؟

این فرع را اولین بار شهید اول مطرح کرده (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۸) و مقتضای ادعای اجماع شیخ طوسی در خلاف را که فرموده: «لا خلاف أن للمحرم

الاستظلال بثوب ینصبه ما لم یمسه فوق رأسه» (طوسی، ۱۴۰۷، ب، ج ۲، ص ۳۱۸)، چنین می‌داند که استظلال به معنای ستر و پوشش از نور خورشید است و اضحاء شرط نیست و از این رو، طبق مبنای شیخ، در صورتی که خورشید از اطراف بتابد، جایز است بالای سر شخص سقف و سایه باشد. البته خود شهید اول و همچنین مرحوم کاشف اللثام (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۳۹۸) در این مسئله تردید دارند. برخی از فقها، از جمله میرزا محمدتقی آملی (آملی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۲، ص ۵۹۱) با این نظریه موافق‌اند.

در مقابل، بسیاری از فقها، از جمله صاحب حدائق (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۵، ص ۴۸۷)، مرحوم نراقی (البته فقط در حال سواره) (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۳۲)، صاحب جواهر (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۴۰۲) و محقق شاهرودی (شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۲۵۱) معتقدند اضحاء برای محرم شرط است و خورشید هرگونه که بتابد، وجود سایه بالای سر محرم در حال طی مسیر، ممنوع است.

ادله فقها

بیشتر روایات، وجوب اضحاء را مطرح کرده‌اند (أضح لمن أحرمت له) و تنها اجماع شیخ در خلاف می‌تواند دلیل قول دوم باشد که آن هم برداشت شهید اول است و معلوم نیست مقصود شیخ از مطلبی که فرموده، عدم شرطیت اضحاء باشد. نتیجه آنکه با توجه به روایات وجوب اضحاء، بیرون آوردن سر از محمل، مانع از صدق استظلال نمی‌شود و نبود سقف بر بالای سر در هر صورت لازم است.

بررسی سؤال دوم

آیا مقصود از سایه ممنوع بر محرم، تنها سایه عمودی و بالای سر است یا سایه‌های جانبی (سایه دیواره ماشین و...) را نیز شامل می‌شود؟

اقوال فقها

مشهور فقها (شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۲۵۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۱۹۸) معتقدند تنها سایه بالای سر ممنوع است و سایه‌ای که از طرفین ایجاد شود، اشکالی ندارد.

شیخ طوسی بر این مطلب ادعای اجماع کرده (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۱۸) و علامه حلی نیز آن را به جمیع اهل علم نسبت داده است (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۸۲). شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۶۵؛ همو، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۴۴)، صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۸، ص ۴۰۳)، مرحوم نائینی (حکیم، ۱۴۱۶ق، ص ۱۷۰)، محقق شاهرودی (شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۲۵۲)، محقق داماد (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۵۳۶ و ۵۴۳)، محقق سبزواری (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۱۹۸)، آیات عظام شبیری (شبیری زنجانی، ۱۴۲۱ق، ص ۸۷)، مکارم (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ق، ص ۷۳) و سبحانی (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ج ۳، صص ۵۰۶-۵۰۲) نیز به این نظریه تصریح کرده‌اند.

از میان معاصرین نیز آیات عظام امام خمینی (خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۲۶)، گلپایگانی (افتخاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۹۳)، فاضل (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۸۸؛ همو، بی تا، ص ۹۸)، خامنه‌ای (خامنه‌ای، ۱۴۲۶ق، ص ۷۳) و صافی (صافی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۲۸۸) - که به احتیاط مستحب، سایه‌ای را که بالای سر نباشد، ممنوع کرده‌اند - از طرفداران این نظریه به شمار می‌روند.

البته برخی همچون صاحب حدائق (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۵، ص ۴۸۵) و آیات عظام خوئی (خوئی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۱۷)، تبریزی (تبریزی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۱۵) و وحید (وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۰۴) تنها به جواز استظلال به سایه محمل اکتفا کرده‌اند. برخی نیز همچون آیت الله سیستانی (افتخاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۹۲) استظلال جانبی را تنها در حال پیاده‌روی جایز دانسته‌اند.

در مقابل، کسی به حرمت استظلال جانبی تصریح نکرده و تنها شهید اول در مسئله تردید کرده است (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۹). مرحوم نراقی نیز مطلق استظلال در حال پیاده‌روی را جایز دانسته و آن را مختص سایه جانبی ندانسته است (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۳۰) که اشکالات آن گذشت. البته محقق کرکی (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۸۷) و آیت الله بهجت (بهجت، ۱۴۲۴ق، ص ۱۰۹)، به احتیاط واجب، استظلال جانبی را ممنوع دانسته‌اند.

ادله فقها بر جواز استتلال جانبی

الف) اجماع

همان طور که در اقوال فقها مطرح شد، شیخ طوسی و علامه حلی بر جواز استتلال جانبی ادعای اجماع کرده‌اند.

اشکال

این اجماع، منقول است و تحصیل اجماع نیز با توجه به عدم طرح مسئله از سوی بسیاری از قداما، امکان‌پذیر نیست. بنابراین حجیتی ندارد.

پاسخ

برخی از بزرگان (انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۵۴) معتقدند اجماع منقول به همراه شهرت محصل، موجب تحصیل اجماع می‌شود و حجت است. در بحث ما نیز شهرت به همراه اجماع منقول ثابت است.

ب) صحیح‌ه محمد بن اسماعیل

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلْ يُجُوزُ لِلْمُحْرِمِ أَنْ يَمْشِيَ تَحْتَ ظِلِّ الْمُحْمِلِ، فَكَتَبَ نَعَمْ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۲۴).

تقریب استدلال

در این روایت صحیح‌ه که مهم‌ترین دلیل جواز استتلال جانبی است، قرار گرفتن زیر سایه محمل صراحتاً جایز دانسته شده است. سایه محمل خصوصیتی ندارد و مقصود، جواز هر نوع استتلالی است که همچون سایه محمل به صورت عمودی بر سر شخص نمی‌افتد و استتلال جانبی به شمار می‌رود.

ان قلت: مقصود این است که شخص در کنار محمل راه برود و خورشید در طرف مقابلش باشد و سایه‌ای روی او نیفتد (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۵۱۲).

قلت: این توجیه خلاف ظاهر مسلم روایت است؛ زیرا ظاهر عبارت «يَمْشِي تَحْتَ ظِلِّ الْمُحْمَلِ» این است که شخص به گونه‌ای در کنار محمل برود که سایه محمل مانع از رسیدن نور آفتاب به او شود.

ج) روایت حمیری

«أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبِ الطَّرِسِيِّ فِي الإِخْتِجَاجِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الحَمِيرِيِّ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام يَسْأَلُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَرْفَعُ الظَّلَالَ هَلْ يَرْفَعُ خَشَبَ العِمَارِيَّةِ أَوِ الكَنِيسَةِ وَيَرْفَعُ الجُنَاحِينَ أَمْ لَا فَكَتَبَ إِلَيْهِ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ فِي تَرْكِهِ رَفَعَ الخُشْبِ» أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبِ الطَّرِسِيِّ فِي الإِخْتِجَاجِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الحَمِيرِيِّ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام يَسْأَلُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَرْفَعُ الظَّلَالَ هَلْ يَرْفَعُ خَشَبَ العِمَارِيَّةِ أَوِ الكَنِيسَةِ وَيَرْفَعُ الجُنَاحِينَ أَمْ لَا فَكَتَبَ إِلَيْهِ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ فِي تَرْكِهِ رَفَعَ الخُشْبِ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۲۵).

در این روایت برداشتن چوبه‌های محمل که سایه جانبی ایجاد می‌کند، اجازه داده شده است. بنابراین، مشخص می‌شود استظلال به سایه جانبی اشکالی ندارد. البته سند روایت دارای اشکال است.

د) سیره متشرعه

قطعا کاروانیان در حال حرکت، زیر سایه یکدیگر یا مرکب‌ها و محمل‌ها قرار می‌گرفتند و سیره قطعیه بر حرکت به این نحو و عدم اجتناب از چنین سایه‌هایی بوده است. این سیره مانع انعقاد اطلاق برای ادله مانع از استظلال می‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۵۳۶).

ه) حرج شدید

قول به حرمت، موجب حرج شدید در تمامی عصرها می‌شود؛ زیرا در زمان‌های گذشته محمل‌ها، چوبه‌هایی داشته که هم سقف بالای سر را نگه می‌داشته و هم مانع افتادن افراد از روی محمل می‌شده است و در این زمان نیز اتوبوس‌های غیر مسقف

دیواره دارند و تنها سقف آنها برداشته شده است. اگر قرار باشد سایه جانبی نیز ممنوع باشد، قطعاً همه مُحرمین مرتکب حرام شده‌اند و باید کفاره پردازند که این موجب حرج است (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۵۰۶).

در مقابل، برای اثبات نظریه حرمت، می‌توان به اطلاق روایات مانع از استظلال و اطلاق وجوب اضحاء (در برابر سقف آسمان قرار گرفتن) استناد کرد که تقیید این اطلاقات توسط روایت صحیحه به همراه اجماع، پاسخ این ادله است. نتیجه اینکه فارغ از معنای استظلال، با توجه به صحیحۀ محمد بن اسماعیل، مانعی از استظلال جانبی وجود ندارد.

بررسی سؤال سوم

آیا استظلال در روزهای ابری یا شب جاز است یا تفاوتی بین شب و روز وجود ندارد؟ مسئله استظلال در شب در روایات و فتاوی‌ای قدما مطرح نشده است؛ هرچند که حرکت در مقداری از شب به خاطر گرمای شدید منطقه حجاز و سیر شبانه به سمت مشعر، امری متداول بوده و خود عدم طرح این مسئله، شاید نشان‌دهنده مسلم بودن عدم صدق استظلال در شب باشد.

به هر حال، همان‌طور که گفتیم طبق مبنای کسانی که اضحاء را شرط می‌دانند، عنوان حرام، پوشاندن خود از سقف آسمان و حفظ خود از امور طبیعی، مانند باد، باران، سرما، گرما و نور خورشید است؛ نه قرار دادن سایه بالای سر که مختص نور خورشید باشد. بنابراین، طبق این مبنا مُحرم؛ چه شب و چه روز، حق ندارد زیر سقف قرار گیرد؛ به عبارت دیگر برخی فعلیت استظلال را حرام می‌دانند و برخی شأنیت آن را نیز جزو محرمات احرام به شمار می‌آورند.

برخی از بزرگان؛ از جمله مرحوم نراقی (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۳۲)، محقق داماد (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۵۳۹)، محقق سبزواری (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۲۰۱)، آیات عظام خویی (خویی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۱۷) و شبیری (شبیری زنجانی، ۱۴۲۱ق، ص ۸۶) به این نظریه معتقدند. برخی نیز مثل آیات عظام تبریزی (تبریزی،

۱۴۱۵ق، ص ۱۱۵) و سبحانی (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۵۲۸) به احتیاط واجب، تظلیل در شب را حرام دانسته‌اند. برخی نیز همچون آیات عظام خامنه‌ای (خامنه‌ای، ۱۴۲۶ق، ص ۷۳) و سیستانی (افتخاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۹۹) استظلال در شب را در اوضاع خاصی (مثل بارانی یا سرد بودن هوا) به احتیاط واجب، ممنوع دانسته‌اند. در مقابل، برخی دیگر از فقها همچون محقق شاهرودی، (شاهرودی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۲۵۴) آیات عظام گلپایگانی (گلپایگانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۲۳؛ افتخاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۹۹)، بهجت (بهجت، ۱۴۲۴ق، ص ۱۱۰)، صافی (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۲۹۱)، مکارم (مکارم شیرازی، ۱۴۱۶ق، ص ۷۲) و نوری همدانی (افتخاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۳۰۰) حرمت استظلال را مختص به روز دانسته‌اند. فقهایی همچون امام خمینی (خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۲۷)، فاضل (فاضل لنکرانی، بی تا، ص ۹۷) و وحید (وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، صص ۱۰۵ - ۱۰۴) که استظلال در شب را خلاف احتیاط مستحبی می‌دانند نیز از طرفداران این نظریه به شمار می‌روند.

ادله ممنوعیت استظلال در شب

دلیل اول: اطلاقات روایات مانع از استظلال

این روایات در ضمن ادله نظریه دوم در صدر مقاله گذشت. در اینجا تنها به نقل دو روایت اکتفا می‌شود:

صحیحہ عبد الله بن مغیره: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمَغِيرَةِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحُسَيْنِ الْأَوَّلِ عليه السلام أَظَلُّ وَأَنَا مُحْرِمٌ قَالَ لَا» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۶).

موثقه اسحاق:

«عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتَهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يُظَلُّ عَلَيْهِ وَهُوَ مُحْرِمٌ قَالَ لَا إِلَّا مَرِيضٌ أَوْ مَنْ بِهِ عِلَّةٌ وَالَّذِي لَا يُطِيقُ الشَّمْسَ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۷).

تقریب استدلال

اطلاق این روایات شامل شب و روز، و وجود خورشید یا عدم آن می‌شود؛ زیرا ظل و سایه، هر چیزی است که انسان را از اذیت بالای سرش (چه نور خورشید باشد و چه سرما و باران و...) حفظ کند. هر چند غالب استعمال ظل و سایه در مورد نور آفتاب است، اما این غلبه استعمال موجب تقييد اطلاق نمی‌شود (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۲۰۲).

دلیل دوم: اطلاق روایات مانع از سوار شدن بر محمل و...

این روایات که در ضمن دلیل دوم ادله نظریه اول، در صدر مقاله مورد بررسی قرار گرفت، هر گونه سوار شدن در محمل و امثال آن را ممنوع دانسته است. این ممنوعیت اطلاق دارد و شب و روز و... را شامل می‌شود.

دلیل سوم: روایات امره به اضحاء

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الظَّلَالِ لِلْمُحْرَمِ فَقَالَ اضْحَ لِنَ أَحْرَمْتَ لَهُ قُلْتُ إِنِّي مَحْرُورٌ وَإِنَّ الْحَرَ يَشْتَدُّ عَلَيَّ فَقَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الشَّمْسَ تَعْرُبُ بِذُنُوبِ الْمُحْرَمِينَ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۸).

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَظَلُّ وَأَنَا مُحْرَمٌ قَالَ لَا... ثُمَّ قَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ مَا مِنْ حَاجٍّ يَضْحَى مُلَبِّياً حَتَّى تَغِيبَ الشَّمْسُ إِلَّا غَابَتْ ذُنُوبُهُ مَعَهَا» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۶).

در این روایات محرم به اضحاء و در مقابل سقف آسمان قرار گرفتن دستور داده شده است که اطلاق دارد و شب و روز را شامل می‌شود.

اشکال

در ذیل هر دو روایت، بحث غروب آفتاب مطرح است که مانع از انعقاد اطلاق روایات نسبت به شب می‌شود. افزون بر اینکه بعید نیست اضحاء مختص روز باشد؛ زیرا ضحی مختص خورشید است: ﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا﴾ (ضحی: ۱).

دلیل چهارم: روایات دال بر ممنوعیت ستر از سرما و باران

صحیحہ محمد بن اسماعیل:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنِ الرَّضَاءِ ع قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الظَّلَالِ لِلْمُحْرِمِ مِنْ أَدَى مَطَرٍ أَوْ شَمْسٍ وَأَنَا أَسْمَعُ فَأَمَرَهُ أَنْ يَفْدِيَ شَاةً وَيُدْبَحَهَا بِمَنَى» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۱۵۵).

صحیحہ ابراهیم بن ابی محمود:

«عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَاءِ ع الْمُحْرِمُ يُظَلُّ عَلَى حِمْلِهِ وَيَفْدِي إِذَا كَانَتِ الشَّمْسُ وَالْمَطَرُ يُضِرَّانِ بِهِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ كَمِ الْفِدَاءِ قَالَ شَاةً» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۱۵۵).

موثقه عثمان بن عیسی:

«عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى الْكِلَابِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع إِنَّ عَلِيَّ بْنَ شِهَابٍ يَشْكُو رَأْسَهُ وَالْبَرْدُ شَدِيدٌ وَيُرِيدُ أَنْ يُحْرِمَ فَقَالَ إِنْ كَانَ كَمَا زَعَمَ فَلْيُظَلِّ وَأَمَّا أَنْتَ فَاصْحَحْ لِمَنْ أَحْرَمْتَ لَهُ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۱۹).

روایت حمیری:

«وَعَنْهُ (الطَّبْرَسِيُّ فِي الإِحْتِجَاجِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الحِمَيْرِيِّ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ ع) أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَسْتُظِلُّ مِنَ الْمَطَرِ بِنُطْعٍ أَوْ غَيْرِهِ حَدَرًا عَلَى ثِيَابِهِ وَمَا فِي حِمْلِهِ أَنْ يَبْتَلَّ فَهَلْ يُجُوزُ ذَلِكَ؟ الْجَوَابُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فِي الْمُحْمِلِ فِي طَرِيقِهِ فَعَلَيْهِ دَمٌ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۲۵).

تقریب استدلال

در این روایات، باران در کنار آفتاب مطرح شده و از آنجا که باران در شب نیز می بارد، استظلال در شب نیز معنا خواهد داشت.

دلیل پنجم: استصحاب

حرمت استظلال در روز، یقینی است. با غروب آفتاب و فرارسیدن شب، شک داریم که هنوز حکم حرمت باقی است یا نه؛ حکم حرمت یقینی را استصحاب می کنیم.

اشکال

اولاً: بعید نیست موضوع استظلال روز باشد و با غروب آفتاب، تغیر موضوع حاصل شود؛ حال آنکه وحدت موضوع از ارکان استصحاب است؛ ثانیاً: طبق مبنای حق، استصحاب تنها در موضوعات جریان دارد و نه احکام. البته برخی معتقدند دو عنوان حرام داریم: یکی استظلال و استتار از نور آفتاب و دیگری قرار دادن سقف بالای سر، که گاهی هر دو با هم جمع می‌شود و گاهی - مثل شب‌ها - تنها یک عنوان داریم. با این بیان هم استظلال و حرکت زیر سقف در شب نیز حرام خواهد بود (محقق داماد، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۵۳۹).

اما واضح است که با دقت در روایات، مشخص می‌شود لسان روایات تنها وجود یک عنوان حرام را ثابت می‌کند و قطعاً تحریم قرار دادن سقف بالای سر (قبه و کنیسه)، موضوعیت ندارد و به سبب استظلال و استتار از نور آفتاب و امثال آن حرام شده است (گلیایگانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۲۳).
به هر حال، با توجه به تمامیت برخی از ادله مذکور، مشخص می‌شود حرمت استظلال، هم در شب و هم در روز جریان دارد.

اشکال بر همه ادله

تمام ادله مطرح شده استظلال در شب را به نحو اطلاق اثبات کرده‌اند و در هیچ روایتی و حتی فتوایی از فقهای قدما - جز در همین اواخر - بحث استظلال در شب مطرح نشده است؛ با اینکه قطعاً حرکت و طی مسیر لااقل در قسمتی از شب به دلیل گرمای شدید، در زمان‌های گذشته نیز متداول بوده و اصلاً سیر از عرفات به مشعر شبانه است. بنابراین، هر چند شمول اطلاقی حرمت استظلال نسبت به شب ثابت است، اما همین عدم طرح مسئله موجب تردید در صدق استظلال در شب و شمول این اطلاق می‌شود؛ چون مسائل بسیار کم‌اهمیت‌تری در سؤالات روات مطرح، و نیز در فتاوی فقها منعکس شده، ولی مسئله به این مهمی مورد توجه قرار نگرفته است. همین امر نشان می‌دهد که نمی‌توان به صرف شمول اطلاقی، به حرمت استظلال در شب حکم کرد.

بله، با توجه به معنای اضحاء، استظللال در روز حرام است؛ هر چند هوا ابری باشد و آفتاب در آسمان نباشد و از آنجا که سرما و باران در برخی روایات عنوان شده، بعید نیست بگوییم در شب‌های بارانی یا سرد نیز استظللال حرام است؛ اما در شب‌های معمولی مانعی از استظللال نیست.

نتیجه‌گیری

در مورد استظللال (زیر سایه رفتن) که یکی از محرمات احرام برای مردان است، مسائل مختلفی وجود دارد. اصل حرمت استظللال زیر سایه متحرک در حال طی مسیر و جواز مطلق استظللال برای زنان و کودکان و مضطربین و همچنین قرار گرفتن یا حرکت زیر سایه ثابت در زمان طی مسیر یا پس از منزل، از مسلمات بحث است. مسئله محل بحث، حکم استظللال زیر سایه متحرک بعد از منزل (مکه، منا، عرفات یا توقفگاه در طول مسیر) است که در مورد آن سه نظریه وجود دارد: جواز استظللال، عدم جواز استظللال و تفصیل بین حالت پیاده و سواره، که پس از بررسی ادله و سنجش بین دسته‌های مختلف روایات، مشخص می‌شود که نظریه اول صحیح است و استظللال به سایه متحرک بعد از منزل مطلقاً جایز است.

در پایان مقاله نیز برای شناخت معنای استظللال، پس از بررسی دوباره ادله، مشخص شد استظللال جانبی جزو استظللال حرام نیست؛ اما بیرون آوردن سر از محمل، مانع از صدق استظللال نمی‌شود و نبود سقف بر بالای سر در هر صورت لازم است؛ همان‌طور که استظللال تنها در طول روز یا در شب‌های بارانی و سرد صدق می‌کند و حرام است.

منابع

- * قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
۱. آملی، محمدتقی (۱۳۸۰ق)، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، تهران، نشر مؤلف.
 ۲. ابن حنبل، احمد (۱۴۲۱ق)، مسند احمد، بی‌جا، مؤسسة الرسالة.
 ۳. ابن ادریس، محمدبن احمد (۱۴۱۰ق)، قم، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی.
 ۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، کتاب من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

٥. ابن حمزه، محمد بن علي (١٤٠٨ق)، الوسيلة الى نيل الفضيلة، قم، انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي رحمته.
٦. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (بي تا)، المغني، بيروت، دار الكتب العربي.
٧. ابوداود، سليمان بن اشعث (١٤٣٠ق)، سنن ابي داود، بي جا، دار الرسالة العالمية.
٨. افتخاري، علي (١٤٢٨ق)، آراء المراجع في الحج (بالعربية)، تهران، نشر مشعر.
٩. انصاري، مرتضى بن محمدامين (١٤٢٨ق)، فرائد الاصول، قم، مجمع الفكر الاسلامي، چاپ نهم.
١٠. بحراني، يوسف بن احمد (١٤٠٥ق)، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
١١. بهجت، محمدتقي (١٤٢٤ق)، مناسك حج و عمره، قم، انتشارات شفق، چاپ سوم.
١٢. تبريزي، جواد بن علي (١٤١٥ق)، مناسك الحج، قم، دارالصديقة الشهيدة.
١٣. حرّاعلي، محمد بن حسن (١٤٠٩ق)، وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
١٤. حكيم، سيدمحسن (١٤١٦ق)، دليل الناسك (تعليقة وجيزة على مناسك الحج للنائيني)، نجف اشرف، مدرسه دار الحكمة، چاپ سوم.
١٥. حلي، يحيى بن سعيد (١٤٠٥ق)، الجامع للشرائع، قم، مؤسسة سيد الشهداء العلمية.
١٦. خامنه‌اي، سيدعلي (١٤٢٦ق)، مناسك الحج، تهران، نشر مشعر.
١٧. خميني، سيدروح الله (بي تا)، تحرير الوسيلة، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
١٨. خويي، سيدابوالقاسم (١٤١١ق)، مناسك الحج، قم، چاپخانه مهر، چاپ يازدهم.
١٩. خويي، سيدابوالقاسم (١٤١٨ق)، موسوعة الإمام الخوئي، قم، مؤسسه احياء آثار الامام الخويي.
٢٠. سبحاني تبريزي، جعفر (١٤٢٨ق)، مناسك الحج واحكام العمرة، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام.
٢١. سبحاني تبريزي، جعفر (١٤٢٤ق)، الحج في الشريعة الإسلامية الغراء، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام.
٢٢. سبزواري، سيدعبدالاعلي (١٤١٣ق)، مهذب الأحكام في بيان الحلال و الحرام، قم، مؤسسه المنار، دفتر معظم له.
٢٣. شافعي، محمد بن ادريس (١٤١٠ق)، الأم، بيروت، دار المعرفة.
٢٤. شاهرودي، سيدمحمود بن علي (١٤٠٢ق)، كتاب الحج، قم، مؤسسه انصاريان.

٢٥. شيرى زنجاني، سيد موسى (١٤٢١ق)، مناسك الحج، قم، مؤسسة الولاة للدراسات.
٢٦. شهيد اول، محمد بن مكي (١٤١٧ق)، الدروس الشرعية في فقه الامامية، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
٢٧. شهيد ثاني، زين الدين بن علي (١٤١٠ق)، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، (المحشي كلانتر)، قم، كتابفروشي داوري.
٢٨. شهيد ثاني، زين الدين بن علي (١٤١٣ق)، مسالك الأفهام الى تنقيح شرائع الاسلام، قم، مؤسسة المعارف الاسلامية.
٢٩. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر (١٣١٨ق)، نجاة العباد، بي نا، بي جا (نرم افزار فقه اهل البيت عليه السلام ٢).
٣٠. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر (١٤٠٤ق)، جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
٣١. صافي گلپايگاني، لطف الله (١٤٢٣ق)، فقه الحج، قم، مؤسسه حضرت معصومه عليها السلام، چاپ دوم.
٣٢. طباطبائي كربلايي، علي بن محمد علي (١٤١٨ق)، رياض المسائل في تحقيق الأحكام بالدلائل، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
٣٣. طوسي، محمد بن حسن (١٣٨٧ق)، المبسوط في فقه الإماميه، تهران، المكتبة المرتضويه لإحياء الآثار الجعفريه.
٣٤. طوسي، محمد بن حسن، (١٤٠٧ق، الف)، تهذيب الأحكام، تهران، دار الكتب الإسلامية.
٣٥. طوسي، محمد بن حسن (١٤٠٠ق)، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، بيروت، دار الكتاب العربي، چاپ دوم.
٣٦. طوسي، محمد بن حسن (١٤٠٧ق)، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
٣٧. علامه حلي، حسن بن يوسف (١٤١٢ق)، منتهى المطلب في تحقيق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.
٣٨. علامه حلي، حسن بن يوسف (١٤١٣ق)، مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
٣٩. فاضل لنكراني، محمد (بي تا)، مناسك الحج، بي نا، بي جا (نرم افزار فقه اهل البيت عليه السلام ٢).
٤٠. فاضل لنكراني، محمد، (١٤١٨ق)، تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة - الحج، بيروت، دار التعارف للمطبوعات، چاپ دوم.

۴۱. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۲. کرکی، علی بن حسین، (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ دوم.
۴۳. گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۰۳ق)، کتاب الحج، قم، دار القرآن الکریم.
۴۴. محقق داماد، سید محمد (۱۴۰۱ق)، کتاب الحج، تقریر عبدالله جوادی آملی، قم، چاپخانه مهر.
۴۵. محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۲۴۷ق)، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۶. محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳ق)، کفایة الاحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۷. مسلم بن حجاج (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۸. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۶ق)، مناسک الحج، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیهم السلام، چاپ دوم.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶ق)، مناسک جامع حج، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیهم السلام.
۵۱. موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق)، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵۲. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعة فی أحکام الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۵۳. نووی، یحیی بن شرف (بی تا)، المجموع فی شرح المهذب، بیروت، دار الفکر.
۵۴. وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸ق)، مناسک الحج، قم، مدرسه الامام باقر العلوم علیهم السلام، چاپ پنجم.